

نگاهی به فرمان منسوب به امام جعفر صادق

دکتر شهاب ولی

چکیده

در میان ائمه دوازدهگانه تشیع اثنی عشری، بدون شک امام صادق (ع) دارای جایگاه خاصی هستند و مرتبه روحانی و علمی ایشان مورد قبول علمای شیعه و سنی و مشایخ صوفیه است. در بین علویان و بکتاشیان آناتولی، گذشته از جایگاه روحانی و علمی آن امام همام، شهرت امام صادق (ع) بیشتر به خاطر متنی است که در میان علویان و بکتاشیان، بدیشان منسوب می‌شود. این متن که فرمان (در ترکی Buyruk) نامیده می‌شود، یکی از اصلی‌ترین متونی است که به شرح باورها و آیین‌های علویان و بکتاشیان می‌پردازد.

انتساب این متن به امام جعفر صادق (ع) و جایگاه محوری آن در باورهای علویان می‌تواند دلیلی اساسی بر پیوستگی اعتقادی جامعه علویان آناتولی با تشیع اثنی عشری باشد. هدف از این مقاله بیان این جایگاه و معرفی کلیاتی از این «فرمان» است.

واژگان کلیدی: امام صادق (ع)، تشیع، «فرمان»، علوی، بکتاشی.

در بین ائمه دوازده‌گانه تشیع اثنی عشری، بدون شک امام جعفر صادق (ع) (شهادت ۱۴۸هـ) از جایگاه خاصی برخوردارند. شهرت امام، گذشته از جایگاه ایشان در مکتب تشیع به مثابه امام معصوم و وارث و حاصل نبی، در میان جماعت غیرشیعه به دلیل جایگاه منحصر به فرد علمی ایشان است که به شهادت منابع تاریخی، بزرگترین عالم، زمان خود بوده‌اند.

از نظر تاریخی، دوران زندگی امام صادق (ع) مصادف بود با درگیری‌های خونین امویان و عباسیان برای تصاحب قدرت. در کنار این جنگ قدرت، شیعیان نیز امید داشتند که در نهایت آل علی بن ابیطالب (ع) قدرت را تحت امامت امام صادق (ع) در دست گیرند. لیکن در چنین شرایطی، امام ترجیح دادند که خود را از این جنگ قدرت دور نگه داشته و فرصت را برای استحکام هر چه بیشتر مکتبی که خود تعارف آن بودند، یعنی مکتب تشیع، مغتنم شمارند. شمار احادیث منسوب به امام صادق (ع)، همچنین شمار علمای صاحب نامی که محضر ایشان را درک کرده‌اند، نشان از علو جایگاه علمی ایشان دارد. امام صادق (ع) اولین شخصی بود که با اصحابشان دستور کتابت تعالیم امامان علیهم‌السلام را دادند، و بدین ترتیب نخستین مجموعه‌های احادیث شیعه شکل گرفت. (امیر معزی، ژامبه، ۲۰۰۴: ۶۴).

طبق گفته لالانی، موفقیت امام محمد باقر (ع) در تثبیت مقام خود به عنوان امام، نماینده خدا بر زمین و مؤید من عندالله در تفسیر و تأویل کلام، او را باید از دو زاویه سنجید: نخست از تعداد پیروانی که توانست به دور خود گرد آورد؛ دوم از موفقیت پسر و جانشینش امام جعفر صادق (ع)، که نظریات او را پذیرفت و تفضیل و گسترش داد. (لالانی، ۱۳۸۱: ۱۱۰-۱۰۹).

در حقیقت، نقش امام جعفر صادق در جمع‌آوری نظام‌مند مجموعه احادیث ائمه (ع)، غیرقابل انکار است. (امیر معزی، ژامبه ۲۰۰۴: ۸۵). برای مثال، در مجموعه‌ای

سترگ چون بحارالانوار علامه مجلسی، نیمی از احادیث منقول، منسوب به امام جعفر صادق (ع) اند. (نیازمند، ۱۳۸۳: ۱۹۰)، و طبق شواهد تاریخی، اوایل قرن دوم هجری، که مکاتب حقوقی و فقهی اسلامی رو به شکل گرفتن نهاد، و بحث‌های کلامی در جامعه اسلامی در بین مکاتب مختلف کلامی شدت گرفت، مکتب تشیع هم ناچار از اتخاذ مواضع خاص در مباحث مختلف کلامی شد، که در این باب نیز عمدتاً پیروی از مواضع امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) می‌نمود (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۳۱-۳۰). و به رغم تقسیم جامعه شیعه در زمان امام جعفر صادق (ع)، تحت عناوین و شیعه زیدی و شیعه جعفری، آن حضرت از طرف اکثریت بزرگ جامعه اسلامی، به عنوان رئیس و بزرگ خاندان پیامبر شناخته شدند و به این عنوان مورد احترام و علاقه همه بودند (مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۶: ۳۲). تمام قراین و شواهد حاکی از این است که مرتبه روحانی و علمی امام جعفر صادق (ع) از طرف همه اقشار جامعه اسلام مورد اذعان بوده است.

بزرگان اهل سنت اکثراً جزو شاگردان حضرت بوده‌اند و اکثریت عرفا و مشایخ صوفیه نیز خود را به امام (ع) منسوب می‌کردند. بدین ترتیب است که شیخ فریدالدین عطار نیشابوری نیز اثر معروف خود تذکره الاولیاء را با «ذکر امام صادق» (ع) آغاز کرده و چنین آورده است:

«گفته بودیم که اگر ذکر انبیاء و صحابه و اهل بیت کنیم کتابی جداگانه باید ساخت. این کتاب شرح اولیاست که پس از ایشان بوده‌اند. اما به سبب تبرک به صادق ابتدا کنیم که او نیز پس از ایشان بوده است. و چون از اهل بیت بود و سخن طریقت او بیشتر گفته است و روایت از وی بیشتر آمده است، کلمه‌ای چند از آن او بیاوریم که ایشان همه یکی‌اند. چون ذکر او شود از آن همه بود. نبینی

که قومی که مذهب او دارند، مذهب دوازده امام دارند. یعنی یکی دوازده است و دوازده یکی» (عطار، ۱۳۷۳: ۱۳).

طبق گفته صاحب تذکره الاولیاء، امام صادق (ع) در جمله علوم و اشارت و عبارات بی تکلف به کمال بوده است. ایشان قدوة مشایخ و مقتدای مطلق بوده و اعتماد همه بروی الهیان را شیخ، محمدیان را امام، اهل ذوق را پیشرو، اهل عشق را پیشوا، عبّاد را مقدم، زهاد را مکرم، صاحب تصنیف حقایق و بی نظیر در لطایف تفسیر و اسرار تنزیل بوده‌اند (همان: ۱۴-۱۳).

صفاتی که عطار نیشابوری، به عنوان یکی از برجسته‌ترین نمایندگان جریان تصوف در مورد مرتبه امام صادق (ع) بیان می‌کند، اهمیت شخصیت والای امام (ع) را در میان صوفیان نشان می‌دهد. در مورد انتساب صوفیه به ائمه علیهم‌السلام و تطابق یا عدم تطابق سلوک صوفیان با تعالیم ائمه اثنی عشر بسیار گفته شده است. هدف ما نیز در این مقال بررسی این موضوع نیست. لیکن به اختصار می‌توان گفت که گروهی بر این باورند که صوفیان، همچون غالیان و بدعتگران، همواره از منفورترین مخالفان و سرسخت‌ترین دشمنان شیعه و پیشوایان آنان بوده، و ائمه (ع) پیوسته آنان را به کفر و شرک و ارتداد توصیف کرده‌اند (معروف الحسینی، ۱۳۷۵: ۶۸). از سوی دیگر، عده‌ای نیز مدافع این نظریه‌اند که: «شیعه در گرایش به زهد- زهدی که از اسلام آغازین برخاسته بود پیشقدم بودند و در تکوین زهد، به اشکال گوناگون، که بالاخره منجر به تصوف شد، شرکت داشتند، چنانکه علی بن الحسین (ع) و امام باقر و امام صادق (ع) از پیشروان زهد به شمار می‌آمدند. لیکن وقتی نهضت تصوف به وضوح تبلور یافت و معلوم شد که مقصد آن تشکیل جامعه‌ای نوین و نظامی با خصلت ویژه خود و شیوه جداگانه‌ای از زندگی است؛ که در مجموع از جهت رهبری معنوی با روش صاحبان مذاهب فقهی و

عقلی، و از لحاظ حکومت ظاهری با داعیه داران اشرافی مسلک و استیلاجو رقابت دارد، شیعیان که پیرو امامان بودند، نمی‌توانستند به مکتب‌های تصوف درآیند و مرید مشایخ صوفی باشند، (الشیبی، ۱۳۸۰: ۶۴).

به رغم انکار رابطه بین ائمه اثنی عشر علیهم‌السلام و صوفیان از طرف گروهی صاحب‌نظران، امام صادق (ع) مقام خاصی در میان سلاسل صوفیه دارند و برای مثال، چنانکه پل‌نویا می‌نویسد: «تفسیر عرفانی قرآن، که صوفیان سنی به امام جعفر صادق (ع) نسبت می‌دهند، در میان این طایفه جایگاه والایی دارد.» (نویا، ۱۳۶۹: ۵). تمام این اقوال حاکی از علو جایگاه منحصر به فرد امام صادق (ع) در میان کلیه مکاتب و غله‌های فقهی، کلامی، تفسیری و عرفانی است.

اما گذشته از موارد مذکور، امام جعفر صادق (ع) جایگاه ویژه‌ای نیز در میان علویان و بکتاشیان آناتولی دارند. علویان و بکتاشیان که غالباً در زمره شیعیان یا گاه شیعیان کژ آیین شمرده می‌شوند. احترام خاصی برای امام صادق (ع) قایل هستند. خاستگاه اصلی این احترام، که برای امام صادق (ع) نقشی محوری در باورها و آیین‌های علویان و بکتاشیان ایجاد کرده است، متنی است که به امام جعفر صادق (ع) منسوب است و جزو متون اصلی مذهبی آیین‌ها و باورهای علویان و بکتاشیان به شمار می‌آید. این متن در میان این جماعت بیشتر به عنوان فرمان (Buyruk) در ترکی مشهور است. لیکن این متن تحت عناوین دیگری چون مناقب اولیاء، مناقب‌نامه و فتوت‌نامه نیز شناخته می‌شود (آیت‌کین، ۱۹۵۸: ۳).

عبدالباقی گولپینارلی، محقق مشهور ترک، نام این اثر را در میان آثاری که به عنوان آثار امام صادق (ع) نقل کرده است ذکر نمی‌کند. این آثار شامل رسایل، وصایا و آثار دیگری است که در میان آنها نامی از Buyruk برده نمی‌شود (گولپینارلی، ۱۹۸۹: ۱۰۷-۱۰۶ و گولپینارلی، ۲۰۰۳: ۴۲۷-۴۲۶).

سوزکورت از گولپینارلی نقل می‌کند که نام اصلی این متن که امروز به عنوان (Buyruk) در میان علویان و بکتاشیان موجود است، مناقب اسرار بهجةالابرار بوده و توسط شخصی به نام بساطی تألیف شده است. (بوزکورت، ۲۰۰۴: ۴-۳). لیکن وی اذعان می‌دارد که نقش Buyruk در میان علویان آناتولی به عنوان تفسیر قرآن است (همان: ۱)، و در نتیجه، نقش محوری و کلیدی دارد. در عین حال، دامنه اهمیت این متن به علویان و بکتاشیان آناتولی منحصر نیست و در سایر کشورهای اسلامی نیز یافت می‌شود (شنر، ۱۹۹۰: ۵۵).

برغم اینکه نام Buyruk از طرف محققى چون گولپینارلی در میان آثار امام صادق (ع) ذکر نشده است، لیکن این نکته نیز آشکار است که در میان علویان و بکتاشیان، این متن به عنوان مهمترین اثر امام (ع) کارکرد دارد. (ایوب اوغلی، ۱۹۹۰: ۹۱-۹۰).

اصولاً الهیات علویان و بکتاشیان مبتنی است بر ادبیات روایی و شفاهی. در این نوع الهیات، مناقب نامه‌ها و متونی که به عنوان وصایا یا ولایت نامه از آنان نام برده می‌شود، نقشی اساسی دارند. از جمله این متون می‌توان به ولایت نامه یا مناقب حاج بکتاش ولی (کورکماز، ۱۹۹۹). یا ولایت نامه ابدال موسی (گوزل، ۱۹۹۹). اشاره کرد. کلیه این آثار، گذشته از اهمیت عقیدتی که برای علویان و بکتاشیان دارند، می‌توانند به عنوان منبعی سودمند برای تاریخ نگاری اسلامی نیز مورد استفاده قرار گیرند (اجاق، ۱۹۹۷).

در میان تمام مناقب نامه‌های موجود در میان علویان و بکتاشیان، Buyruk یا فرمان منسوب به امام صادق (ع) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هر چند که این متن به هیچ وجه حاوی بحث‌های کلامی نمی‌باشد (فقلالی، ۱۹۹۰: ۲۸۴)؛ لیکن مهمترین متنی است که باورها، مناسک، مراسم و چگونگی برگزاری مراسم علویان را توضیح می‌دهد (کورکماز، ۱۹۹۴: ۶۴).

در حقیقت، مفاهیم اصلی و بنیادین باورهای علویان و بکتاشیان در این متن بیان شده است و هر محققى برای دریافتن این مفاهیم ناگزیر از مراجعه به این متن است. برای مثال ایرن ملیکوف پژوهشگر نامدار تاریخ علوی- بکتاشی، برای تحلیل و نقد باورهای علوی در آثارش به این متن مراجعه می‌کند (ملیکوف، ۱۹۹۲).

متن فرمان منسوب به امام صادق (ع) به ترکی است. لغات و تعبیرات استفاده شده در این متن برای افراد «غیر» گاه نامفهوم و مشکل است. لحن و بیان موضوعات، تشابه چندانی با احادیث منسوب به امام صادق (ع) ندارد، هر چند در لابلای موضوعات، احادیثی هم از ائمه (ع)، بدون ذکر منبع، نقل شده است.

بنا به گفته ملیکوف، نسخه‌های زیادی از این متن موجود است که تفاوتی با هم دارند (ملیکوف، همان). ظاهراً در تمام روستاهای علوی- بکتاشی نسخه‌هایی از این متن در دست است. نسخ متعددی نیز از این متن چاپ شده است. نسخه‌های چاپ شده، تا آنجا که اطلاع در دست است، عبارت‌اند:

- ۱- Buyruk، به اهتمام صفر آتیکین، ۱۹۵۸، آنکارا.
 - ۲- Buyruk، به اهتمام حسن آی یلدیز، ۱۹۶۲، استانبول.
 - ۳- Imam Gafer Sadik Buyrugu، علی اجاغلی، ۱۹۸۹، استانبول.
 - ۴- Imam Gafer-sadik Buyrugu، عادل علی آتالای، ۱۹۹۵، استانبول.
 - ۵- Imam Gafer Buyrugu، اسد کورکماز، ۱۹۹۷، استانبول.
 - ۶- Imam Gafer Buyrugu، فواد بوزکورت، ۲۰۰۴، استانبول.
- متن Buyruk را در نسخ چاپ شده به دو بخش اصلی می‌توان تقسیم کرد:

(۱) بخش تاریخ مقدس، که به اختصار بیان شده است.

(۲) آموزه‌های علوی- بکتاشی.

متن فرمان^۱: متن فرمان چنین آغاز می‌شود:

— احکام فرمان که در برگزیده فرمایشات امام جعفر صادق (ع) است، صریح و قطعی اند. فرمان بیانگر احکامی است که اولاد و رهروان طریق امام (ع) باید انجام دهند و احوالی که در طی طریق با آنها مواجه خواهند شد. این فرمان توصیفی است بر احوال پیران طریقت، طالبانی که واصل شده‌اند و اخوان صوفی. باشد که اولاد نبی و طالبان حقیقت چنین سلوک نمایند و نسبت بدان طی طریق نمایند. قدم در طریق گذارند تا مشخص شود که ایشان امت محمد (ص)، و مسلمانان هستند.

— **بسمله:**

هر که جمله «بسم الله الرحمن الرحيم» را بر زبان آورد، شیطان را چون شمعی در برابر آتش ذوب کند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «خداوند تمام سرّ و اسرار خود را در چهار کتاب نازل فرموده‌اند: (۱) تورات، (۲) زبور، (۳) انجیل و (۴) قرآن. خداوند نثر مکنون در این کتب را در سوره فاتحه بیان فرموده، و تمام اسرار سوره فاتحه را در «بسم الله الرحمن الرحيم» نهاده است. «سرّ» بسم الله الرحمن الرحيم را در سوره یاسین و سرّ سوره یاسین را در نقطه تحت باء جمع کرده است، مفهوم تورات، زبور، انجیل و فرقان بیان «حق» علی (ع) است. علی (ع) ساقی چهار نهر است. این انهار، آب، شیر، عسل و کوثر می‌باشند.

۱- برای ترجمه و معرفی متن از نسخه چاپ شده توسط اسد کورکماز استفاده شده است. این متن به صورت کامل و تطبیقی با سایر نسخ چاپی، توسط راقم این سطور در دست ترجمه است.

برخی مفاهیم و اصطلاحات مندرج در فرمان

جمع چهل تنان: در این بخش از متن چگونگی ملاقات پیامبر اکرم (ص) با جمع روحانی «چهل تنان» بیان شده است. طبق روایت متن، ۳۹ واصل در این جمع حضور دارند که از این عده ۲۲ مرد و ۱۷ زن در مجلس حضور داشتند. لیکن یکی از جمع چهل تنان در مجلس غایب بوده است. این شخص سلمان فارسی است. متن پس به بیان وحدت و یگانگی حقیقت چهل تنان می‌پردازد. داستان روایت شده، بیانی اسطوره وار دارد و داستان گفتگویی است انجام شده بین پیامبر (ص) و چهل تنان. شیوه بیان روایت با کلام و گفتار متون شیعه منطبق نیست. متن در مورد شخصیت و اسامی کلیه چهل تنان اطلاع چندانی به دست نمی‌دهد. تنها شخصیت‌هایی که نامشان از میان این چهل تنان بیان شده است، حضرت علی (ع) و سلمان فارسی می‌باشند. متن از زبان چهل تنان بیان می‌کند که پیرایشان شاه مردان علی و رهبرشان جبرئیل است.

سرّ حق: این بخش در تعقیب بحث پیشین، یعنی «جمع چهل تنان» است، و به بیان سر حقیقت از طرف پیامبر اکرم (ص) بر صحابه می‌پردازد. بنابر متن «فرمان» سرّ حقیقت چیزی نیست مگر حدیث غدیر جبرئیل (ع) بر پیامبر (ص) وارد شده و فرمان خداوند متعال را بیان می‌کند: علی (ع) را وصی خود اعلام کن. پیامبر (ص) فرمان خداوند را ابلاغ می‌کند: ای خلاق، حقیقت درباب شاه مردان علی (ع) نازل شد. بی‌آید و مراتب ارادت خود را به وی ابراز کنید. متن با زبانی نمادین به یگانگی «حقیقت» نبی و ولی می‌پردازد و حدیث غدیر را با روایتی متفاوت بیان می‌کند.

«مصاحب» شدن حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع): «مصاحبیت» از مفاهیم اصلی و بنیادی تفکر علوی - بکتاشی است. این مفهوم به صورت مفصل توسط ملیکوف مورد بررسی قرار گرفته است (ملیکوف، همان جا) در حقیقت، چنین به نظر می‌رسد که تفکر علوی - بکتاشی درصدد مشروعیت بخشیدن به «مفهوم مصاحبیت» است با ایجاد رابطه بین این مفهوم و مفهوم «عهد اخوت» درصدد اسلام. این مفهوم و

جایگاه آن، ارکان مصاحبت و چگونگی آن، با شیوه‌ای داستان وار و روایت گونه در قالب ادبیات عامیانه و گاه منظوم، بیان می‌شود.

صوفی / تصوف: تعریف صوفی از نظر فرمان عبارت است از: «آنکه زیراندازش پوست، خانه‌اش بهشت، برادرانش مسلمان، خواهرانش حوری، غذایش میوه بهشتی، شرابش شراب بهشتی، جامه‌اش حله، چراغش وجه نورانی الله، سخنش کلام خداوند و دم و بازدمش هزار و یک اسم خداوند است». در این بخش از فرمان، ارکان تصوف و مفاهیم آن و سلوک سالک به تفصیل بیان شده است.

پیر، مقام پیر: «فرمان» با استفاده از علم حروف به تأویل کلمه «پیر» می‌پردازد و آن را با حضرت علی (ع) که با صفت «شاه اولیاء» نام برده می‌شود، مرتبط می‌سازد. پیر باید که طریق حضرت علی (ع) را طی کند تا حق «آئین و ارکان» ادا شود. پیر باید از نسل حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) باشد و هر که خلاف این قاعده عمل کند، خوردن و نوشیدن وی حکم حرام دارد، خائن به طریقت و حقیقت است، ارشاد و بیعت و توبه‌اش مورد قبول نخواهد بود و از درگاه دوازده امام بی‌نصیب خواهد ماند.

مرشد: مرشد کسی است که به اشراق می‌رساند، مربی است، هادی راه است. او از کلام حق، خورشید، ستاره، ماه و راه تشکیل شده است. هر که کلام مرشد را کلام حق نداند، بی‌ایمان است، مرید جسم است و مرشد جان، مشرب اقرار است، محبت ایمان و مرشد دین.

رهبر: رهبر نایب و یاور پیر است و هر گاه پیر حاضر نباشد، رهبر وکیل اوست. جایگاه، مقام و رابطه رهبر با طالب به تفصیل در متن فرمان بیان شده است.

ذاکر: ذاکر آن است که ذکر حق گوید. این مفهوم همراه با خواص ذکر حق، جایگاه ذاکر نزد حضرت حق و اجرای که از طرف خداوند برای ذاکر اختصاص یافته، با تأویل و علم حروف در متن توضیح داده شده است.

طالب: متن فرمان به اعمال و آدابی که طالب موظف است در مقابل اجاق حضرت محمد(ص) و علی (ع)، مربی، پیر و مصاحب خود انجام دهد، می‌پردازد.

در این بخش از فرمان، متن دارای ساختاری «غیر داستانی» است و اسلوب بیان مفاهیم به متون کلاسیک صوفیانه بیشتر نزدیک است و زبانی اندرزگونه در مقابل مخاطبش، یعنی «طالب»، دارد. «باید»ها و «نباید»های طالب در طریق وصال بیان می شود. سپس «فرمان» به بیان «طریق حقیقت» و «اخلاق» می پردازد.

دوازده خدمت: مناسکی هستند بسته به آل علی (ع) که در مراسم مذهبی انجام می شوند. صاحبان و اولیای «دوازده خدمت» اولاد علی (ع) می باشند. شاه ولایت هر خدمتی را برای یکی از اولادشان مقرر نموده اند.

مجرد / تجرد: در میان بکتاشیان، «مجرد» درویشی است که تأهل اختیار نکرده و با «اقرار تجرد» در عدم تأهل قسم خورده است. در میان بکتاشیان «تجرد» مقامی روحانی است. از نظر ایشان تجرد میراث است از چهارکس: حضرت عیسی، حاج بکتاش ولی، اویس قرنی و سلمان فارسی.

دار: چوبه ای که منصور حلاج سربدان سپرد. در اصطلاح علویان «دار» به محلی گفته می شود که مراسم مذهبی در آن انجام می شود. چهار نوع دار وجود دارد: دار منصور، دارفضلی، دارنسیمی و دار فاطمه که از حضرت حسین (ع) به یادگار مانده است. این «دار»ها مقدس می باشند.

سجده: «سجده سنت حضرت آدم (ع) است».

نیاز: عبادتی است در مقابل خداوند، به واسطه اهل طریقت، پیشوای طریقت یا شیئی که مقامی را در طریقت تمثیل می کند. این عبادت، محبت است، حرمت است، احترام است، طلب است، رجاء است یا پیشکشی است به درگاه حضرت حق.

سنت: در متن فرمان این سنتها جزو آداب اجباری بیان شده اند که عبارت اند:

سنت اول: ذکر نامهای حضرت حق، پیامبر (ص) و ائمه دوازده گانه و حفظ

محبت ایشان در دل

سنت دوم: دور کردن کین و خصومت از دل.

سنت سوم: طالب راه شدن و خود را به طریق سپردن .

رضا: قبول و پذیرش هر آن چه که از طرف خدا رسد.

رضا بر سه قسم است:

(۱) رضای شخص با خود. (۲) رضای شخص با جامعه. (۳) رضای شخص با طریقت.

تاج: طبق آنچه که در متن فرمان بیان شده است، خداوند برای هفت تن از محبان خود، تاج نازل کرده است: حضرت آدم، تاج سفید. حضرت نوح، تاج سفید. حضرت ابراهیم، تاج سیاه. حضرت موسی، تاج زرد. حضرت عیسی، تاج کبود. حضرت محمد(ص)، تاج سبز. حضرت علی(ع)، تاج سرخ.

تاج نشانه محبت خدا به این هفت تن است. هر رنگ نشانه و مفهوم خاص خود را داراست؛ لیکن درون تمام تاج‌ها «سر» و برون آنها «نور» است.

«سوزن آن، مرشد است. نخ آن، طالب است. قبه آن، خداوند است، ترک‌های آن ائمه، مهر آن حضرت محمد(ص) و حضرت علی(ع) است. پهنای آن از شرق تا به مغرب و در ازای آن از گنبد دوار تا زمین خاکی است. هر تاج چهارباب دارد: شریعت، طریقت، معرفت و حقیقت.

فروض طریقت: فرض خدمت به پیر است. ارکان طریقت میراث حضرت محمد(ص) و حضرت علی(ع) است. هر طالب ماهر استاد، هر پیر موظف به شناخت طریق و طی آن است.

در احکام طریقت ۶ اصل فرض است:

(۱) سخا، (۲) معرفت، (۳) قربت، (۴) صبر (۵) توکل، (۶) تفکر.

در ارکان طریقت ۶ اصل فرض است:

(۱) علم، (۲) اطاعت، (۳) رضا، (۴) شکر، (۵) ذکر، (۶) عزلت.

در بیان طریقت ۶ اصل فرض است:

(۱) ارادت، (۲) اجابت، (۳) زهد، (۴) تقوی، (۵) قناعت، (۶) اخلاق.

در عمل به طریقت ۶ اصل فرض است:

(۱) احسان، (۲) ذکر، (۳) شکر، (۴) ترک، (۵) حیف، (۶) شوق.

دوازده نشانه طریقت: (۱) خوف از حق، (۲) تفاوت نهادن بین خلق الله، (۳) ادب، (۴) متواضع بودن، (۵) تسلیم رضای حق بودن، (۶) راضی به تقدیر بودن، (۷) صابر بودن، (۸) دوری از خلق جستن، (۹) اهل قناعت بودن، (۱۰) نگران روزی خود نبودن، (۱۱) چله‌نشینی، (۱۲) طالب بودن.

مقام: در میان علویان و بکتاشیان، مقام، جایگاه روحانی طالب است در طی مسیر سلوک.

عناصر اربعه: عناصر اربعه حقیقت انسان را تشکیل می‌دهند، که عبارتند از:

(۱) آتش، انسان را به سوی شرّ سوق می‌دهد.

(۲) هوا، انسان را به آزار و اذیت سوق می‌دهد.

(۳) آب، الهام است.

(۴) خاک، آرامش و راحتی است. نماد مرتضی علی (ع) است.

عالم کبیر، عالم صغیر: در این بخش، فرمان به بیان خصوصیات انسان، نفس اماره و نماد آن، نفس لوّامه و خصوصیات آن، نفس مهمه و خصوصیات آن، و نفس مطمئنه و اوصاف ضمیمه آن می‌پردازد.

مذهب تشیع: فرمان به بیان حقیقت تشیع از دیدگاه علویان — بکتاشیان نیز می‌پردازد. طبق متن فرمان، هفتاد و دو ملت به هفتاد و دو مذهب تقسیم می‌شوند. ۳۶ مذهب جزو خوارج شده و ۳۶ مذهب باقیمانده تشیع را برگزیده و به طریق حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) باقی می‌مانند.

ولایت نامه: ولایت نامه کتابی است که بنا به آنچه در متن فرمان آمده است، به دستور حضرت علی (ع) از طرف صحابه آن حضرت کتابت شده است. این کتاب حاوی فرمایشات آن حضرت است.

اسماء الحسنی: خداوند را دو اسم است: اسم جلی و اسم خفی. نام جلی خداوند

«الرحمن الرحيم» است، و نام خفی خداوند «هو» است. راه‌های ذکر خدا: (۱) از طریق خدمت به پیر، (۲) مصاحبت با یکی از دوستان خداوند، (۳) انجام شریعت، (۴) انجام طریقت، (۵) معرفت تام داشتن، (۶) دوستدار علم بودن، (۷) مؤدب و باحیاء بودن.

قسمت پایانی فرمان منسوب به امام جعفر صادق (ع) به دو موضوع اختصاص دارد: (۱) سؤال‌ها و پاسخ‌هایی منسوب به حضرت علی (ع) و امام صادق (ع). این پرسش و پاسخ‌ها مربوط‌اند به مسایل دنیوی، آداب طریقت، سؤالات کلامی در مورد حقیقت دین، بزرگان دین و اولیاء حق. پاسخ این سؤالات بازبانی ساده و به صورت بسیار مختصر، گاه در قالب یک جمله، بیان شده است. آخرین بخش فرمان به «وصایای» رسول اکرم (ص) به حضرت علی (ع) اختصاص دارد. این وصایا عبارت‌اند از: ۱۲ وصیت که هر جمله از آن‌ها با «یا علی» آغاز می‌شود و مستقیماً آن حضرت را مورد خطاب قرار می‌دهد.

نتیجه

نگاهی گذرا به متن این فرمان و مفاهیم و اصطلاحات و شیوه بیان آن کافی است که خواننده واهی بودن انتساب آن را به امام جعفر صادق (ع) دریابد. لیکن اهمیت این متن را از زوایای دیگری باید سنجید. نخستین اهمیت متن بدون شک کارکردی است که در میان علویان و بکتاشیان دارد. کارکردی که جایگاه خود را تا به امروز حفظ کرده است و منبع اصلی باورها و آئین‌های علویان به حساب می‌آید.

نکته دوم اینکه انتساب این متن به امام جعفر صادق (ع) خود بیانگر پیوستگی عقاید علویان و بکتاشیان است به تشیع اثنی عشری. به رغم خلاء یک الهیات نظام‌مند در میان جماعت علوی - بکتاشی، انتساب متن محوری باورهای ایشان به یکی از ائمه دوازده گانه خود می‌تواند مؤیدی باشد برخاستگاه تاریخی عقاید ایشان.

کتابنامه

الف) منابع فارسی

- ۱) عطار نیشابوری، فریدالدین، ۱۳۷۳، *تذکره الاولیاء*، از روی نسخه نیکلسون، به کوشش ا. توکلی، تهران، انتشارات بهزاد، چاپ دوم.
- ۲) لالانی، ا. آ. ۱۳۸۱، *نخستین اندیشه‌های شیعی*، تعلیم امام محمد باقر (ع)، ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه روز.
- ۳) مدرسی طباطبائی، ح. ۱۳۸۶، *مکتب در فرآیند تکامل، نظری بر تصور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین*، ترجمه هاشم ایزدپناه، تهران، کویر.
- ۴) مصطفی الشبی، ک.، ۱۳۸۰، *تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، امیرکبیر.
- ۵) معروف الحسنی، هو.، ۱۳۷۵، *تصوف و تشیع*، ترجمه سید محمد صادق عارف، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ۶) نوپا، پ.، ۱۳۶۹، *تفسیر عرفانی منسوب به امام جعفر صادق (ع) تصحیح انتقادی*، ترجمه احمد سمیعی، در مجموعه آثار ابو‌عبدالرحمن سلمی، گردآوری نصرالله پورجوادی، ج ۱، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۷) نیازمند، ر.، ۱۳۸۳، *شیعه در تاریخ ایران*، شیعه چه می‌گوید و چه می‌خواهد؟، تهران، حکایت قلم نوین.

ب) منابع غیر فارسی

- 1) Amir- Moezzi, M.A., 2004, Jambet, C., *Quest-ce que le shiisme?*, Librairie Artheme Fayard, Paris,
- 2) Aytekin, S., 1958., Buyruk, Ankara,
- 3) Bozkurt, F., 2004 *Imam Gafer Buyrugu*, Alfa basin yayin grubu, Istanbul.
- 4) Eyuboglu, i., z. 1990, *Butun yonleriyle Bektasilik*, Der yayinlari, Istanbul,
- 5) Figlali, E., R., 1990 *Turkiye de Alevilik Bektasilik*, Selguk yayinlari, Ankara, 1990.

- 6) Gilpinarli, A., 1989, Oniki Imam, Der yayinlari, ikii basim, Istambul.
- 7) Gilpinarli, 2003. Tarih boyunca Islam mezhepleri Ve Siilik, Der yayinlari, Istanbul.
- 8) Guzel, A., 1999 Abdal Musa Velayetnamesi, Turk Tarih kurumu, Ankara,
- 9) Korkmaz, E., 1994 Ansiklopedik Alevilik Bektasilik Terimleri Sozlugu, Ant yayin lari, istanbut,
- 10) Korkmaz. 1999, Haci Bektas Veli, Viliayetname (Mena kib- Haci Bektas Veli), Can yayinlari, 2. basim, Istanbul,
- 11) Melikoff, I., 1992 sur les traces du Soufisme Ture, Recherches sur l' Islam populair en Anatolie, Ed. Isis, Istanbul,
- 12) Ocak, A.y., 1997 Kultu, Tarihi Kaynagi Olarak Menakibnameler, Metodolojik bir yaklasim, Turk Tarih Kurumu, Ankara,
- 13) Sener, C., 1990 Alevilk Olayi, Toplumsal bir baskaldirinin kisa Tarihcesi, g. bask., istambul.

Archive of SID